

بسم الله الرحمن الرحيم

روابط بین ایران و حکام آل سعود

(ترجمه)

امسال شاهد دیدارهایی بودیم که مسئولین عربستان سعودی و ایران؛ دو رقیب اصلی در خاورمیانه، که بیش از هر زمانی دیگری یعنی در پنج سال گذشته گرد هم آمدند، بغداد در طول سال؛ میزبان چهار دیدار بین مسئولین سعودی و ایران بود و پنجمین دیدار را نیز در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویارک برگزار شد که نشان از بازگشت گرمی روابط متشنج دو کشور دارد.

با توجه به تشدید بحران بین دو کشور در سال 2016 در پی اعدام روحانی شیعه نمرالنمر توسط حکومت سعودی و متعاقب آن حمله تظاهرات کننده گان ایرانی به سفارت و کنسولگری عربستان در ایران، ریاض روابط خود را با ایران قطع اعلام کرد. از آن زمان تنش بین عربستان سعودی و ایران تشدید شد و اختلافات بین آن‌ها در همه مسائل منطقه؛ به ویژه در یمن، سوریه و لبنان افزایش یافت. با این حال، به نظر می‌رسد که در دوره گذشته تغییراتی در شکل روابط به خصوص با بیانیه‌ای که محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی در آن ابراز امیدواری کرد که «مذاکرات با ایران به نتایج ملموسی برای اعتمادسازی و احیای روابط دوباره رسیده است.»

برای فهم درست و واقعیت مناقشه و هم‌چنان ماهیت این دیدار؛ باید نگاه عمیق‌تری به سیاست امریکا در منطقه داشته باشیم: دولت اوباما بیش از هر دولت دیگری از زمان انقلاب ایران دست این دولت را در کشورهای اطراف آن آزاد نموده است. بناءً آنچه که به "نقش ایران" معروف است، سیاست خاصی است که در رابطه به یمن و سوریه و نیز در عراق و لبنان گرفته است. دلایل دیگر از جمله ضعف مزدوران امریکا در منطقه و عدم تبعیت برخی کشورها از آن است که ایران راه حل مناسب بود که تمام پروژه‌های منطقه را گرفته و به صورت گسترده اجرا کند. به همین خاطر، دولت اوباما را واداشت تا مشکل ایران و پرونده هسته‌ای آن را حل کند. بنابراین، ایران در زمان عبدالله آل سعود وارد سوریه، عراق و یمن شد و در خلیج فارس از جمله عربستان سعودی مداخله نمود و این مداخلات زیاد گسترش یافت که این به منزله آزار و اذیت نمودن یهودیان و کشورهای منطقه بود که با تأییدی و چراغ سبز امریکا واضح و روشن بود؛ اما پس از ایجاد بهار عربی در منطقه، به باور غرب این بهار عربی یک خطر «مبدئی راهبردی و ناگهانی» علیه منافع امریکا بود که امریکا به صورت گسترده و سریع دست به عمل شد و برای خنثی‌سازی این انقلاب دست ایران را در منطقه آزاد و به آن سهم داد.

در پاسخ به سؤالی که امیر حزب التحریر، عالم جلیل‌القدر، عطاء بن خلیل ابوالرشته حفظه الله جواب داده بود، آمده است: «اما در مورد نیروهای جدید و وضعیت استثنایی که همانا "بهار عربی" است و از آنجایی که امریکا خود را با خطراتی از نوع جدیدی قیام‌های بهار عربی در تونس، یمن، مصر، لیبی و سوریه مواجه می‌دید که این انقلاب‌ها ناگهان فوران کرد و امریکا آمادگی دفاع از نفوذ خود را در برابر این انقلاب‌های مردمی که تهدید علیه نفوذش بود، نداشت و امریکا نمی‌توانست ارتش خود را برای دفاع از حفظ نفوذ

خود وارد کند، زیرا جامعه آمریکا از عراق رنج دیده و نسبت به آن کینه و عقده دارد، این کشور نیروهای محلی کافی برای دفاع از نفوذ خود را ندارد؛ مهم ترین مزدوران آن در منطقه مصر و سوریه زیر آتش قیام و انقلاب هستند. از این جهت انقلاب‌های جدید و وضعیت استثنایی در منطقه باعث شد که آمریکا به سرعت اعتماد به ایران کند و به همین دلیل، ایران برای سرکوب و قلع و قمع انقلاب به ویژه سوریه شتافت و پس از حوادث طرابلس و صیدا تدارکات و کمک‌ها را به حزب لبنانی خود افزایش داد تا این که از هجوم انقلاب به لبنان نیز جلوگیری کند و هم‌چنان تدارکات و کمک‌ها را به پیروان خود در بحرین و یمن افزایش داد تا این که به زبان انگلیس و به نفع آمریکا تمام شود. همه‌ای این کارها علیه انقلاب‌ها صورت گرفت. آمریکا با این انگیزه‌های جدید به ایران نقش داده است و ایران تبدیل به یک دولت فرقه‌گرایی شده که در منطقه بسیار وحشتناک و بزرگ شده است. این سیاست به شکل عمومی آشکار و هویدا گردید که روابط آمریکا با ایران نزدیک گردیده و رسانه‌ها از ارسال محموله‌های مالی آمریکا با هواپیما به ایران پس از توافق هسته‌ای خبر دادند. هم‌چنان عقد توافقی نام‌های تجارتي با بوئینگ و نیز مسئولین امریکایی در حال ملاقات با بانک‌های اروپایی برای تسهیل معامله با ایران هستند که این بانک‌ها از افزایش تحریم‌های آمریکا ترس داشتند.

بعد از اینکه عربستان به آغوش آمریکا بازگشت و ناامیدی ایران در برخی پرونده‌ها از جمله سوریه و ثبات نسبی مزدوران آمریکا در منطقه، همه این‌ها باعث شد که تفکر امریکایی در استفاده از همه ابزارها و تنوع بخشیدن به نقش‌ها و توزیع آن‌ها بین مزدوران خود متنوع شود، ایران دیگر تنها کشوری نیست که باید همه پرونده‌ها را در اختیار داشته باشد و به دلیل تغییر شرایط سیاسی منطقه ایران دیگر در موقعیتی نیست که در آن قرار داشته باشد؛ چون قدرت‌های منطقه‌ای بزرگی از جمله عربستان سعودی، مصر، ترکیه و ایران در منطقه وجود دارند که همگی زیر نفوذ آمریکا قرار دارند، شرایط جدید، تنوع منابع، تعدد ابزارها و نقش‌های متعدد را ایجاب می‌کند.

بنابراین، موضوع جنگ بین ابزارها حتی اگر در برخی پرونده‌ها بین کشورها واقعی باشد، مسائل بسیار مهمی دیگر بر چنین حالت حاکم است؛ از جمله عدم درگیری مستقیم و نظامی بین آن‌ها. حتی اگر لحن صدا بلندتر شود و برخی امور پُرتنش شود و اگر بین این مزدوران درگیری هم بوجود آید، ولی درگیری مستقیم و نظامی بین آن‌ها وجود ندارد. این یک جنبه و جنبه دیگر این است که این تضاد زیر سقف منافع آمریکا اداره می‌شود تا تأثیری بر آن‌ها نداشته باشد. پس از برقراری تنوع سازی سیاست ابزارها و توزیع نقش‌ها توسط آمریکا، باید روابط بین ابزارها به حالت عادی بازگردد تا طرح امریکایی یکپارچه شود و با اهداف آن مغایرت نداشته باشد و همه در یک نقشه‌ای مشخص کار کنند که در تضاد با نقش دیگران نباشد. از اینجا می‌توان به واقعیت درگیری که در زمان عبدالله آل سعود و دوره جدید با ایران بود، پی برد. اول؛ مبارزه سیاسی بین دو جهت ابزار بود و نه یک جهت؛ اما با عصر جدید جنگ زیر سقف جهت واحد با سیاست تنوع بخشیدن به منابع و نقش‌های آنان است. بازگشت روابط بین آن‌ها بدون شک به معنای تطبیق نقشه آمریکا در منطقه است؛ به ویژه این که آمریکا اکنون درگیر پرونده چین است و می‌خواهد از منطقه خارج شود و نقش‌ها را بین کشورهای وابسته به خود تقسیم کند که منافع آن در منطقه حفظ شود؛ راه مهمی است و باری بر دوش آن‌ها ایجاد نمی‌کند و این مستلزم ملاقات، همکاری و لغو سیاست خصومت است.»

در پاسخ امیر حفظه الله در تاریخ 2021/10/6 آمده است: «امریکا در حال آماده شدن برای خروج از خاورمیانه و سپردن امور به مزدوران خود و کسانی که در مدار آن می‌چرخند، است و تلاش خود را وقف چین می‌کند.» همه این‌ها از بازگشت روابط تجارتي

دلیلی بر مقدمه‌ای روابط برای هماهنگی سیاسی بزرگ و خدمت به امریکا می‌شود و شاید لغو مجازات قبلی اعدام برای نمر النمر و آزادی او از زندان مقدمه و پیامی روشن سعودی به ایران باشد.

نویسنده: حسن حمدان

2 نومبر 2021

مترجم: پارسا «امیدی»